

تحلیل مشاهدات خانم میر حسن علی از مراسم عزاداری امام

حسین علیه السلام در هندوستان

شکیله بتول^۱، طاهره عبداللهی^۲

چکیده

امام حسین علیه السلام و نهضت ایشان تأثیر زیادی بر مردم جهان گذاشته است. باوجود گذشت سال‌ها از این حادثه همچنان از کربلا و نهضت و قیام خونین حسینی یاد شده و از فجایع یزید به‌زشتی نام برده می‌شود. بسیاری از محققان و پژوهشگران در مورد احیای مقاصد امام حسین علیه السلام و یارانشان کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی نوشته‌اند. از تحقیقات در مورد نهضت امام حسین علیه السلام چهار نامه خانم میرحسن علی انگلیسی درباره رسومات و حالات مسلمانان هندوستان در مراسم عزاداری است که مشاهدات خود را بیان کرده است. پژوهش حاضر به‌روش تحلیلی به‌دنبال بیان و بررسی آداب و رسوم عزاداری مردم هندوستان براساس مشاهدات خانم میرحسن علی است. در مشاهدات عزاداری و مراسمات مسلمانان در هندوستان بیشتر آن‌را بر مکتب مسلمانان شیعه حمل کرده و در نقل حوادث کربلا و اتفاقات رخ داده، تضاد تاریخی دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه السلام، مراسم عزاداری، میرحسن علی،

هندوستان.

۱. دانش‌آموخته گروه علوم قرآن و حدیث از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

درباره نویسنده کتاب *observations of the mussalmanus of india* اطلاعات کمی وجود دارد. این کتاب توسط خانم میرحسن علی نوشته شده است. ارزش کتاب بر این است که نتیجه ثبت تجربیات دست اول یک بانوی انگلیسی است که موقعیت استثنایی عضویت در یک خانواده مسلمان را به خود اختصاص داده است. او از دوستانش در لاکنو چیزی نمی‌گوید، اما به خانه سیدهای محترم دسترسی آزاد داشت. به این ترتیب امکانات فراوانی برای مطالعه آداب و رسوم خانواده‌های مسلمان به دست آورد. بسیاری از اطلاعات او در مورد اسلام از همسر و پدرش که هردو اهل سفر و تحصیل کرده بودند به دست آمده بود. در منابع رسمی هیچ اشاره‌ای به همسر وی نشده است، حتی نام خانوادگی، تاریخ و محل ازدواج او یافت نشد. میرحسن علی و همسرش با کشتی عازم کلکته شدند و از راه پاتنه به لاکنو رفتند. ایشان مختصری از حرفه خود و دوازده سال (۱۸۱۶ تا ۱۸۲۸) زندگی در هند می‌نویسد. خانم میرحسن علی یازده سال از آن زمان را در خانه پدر همسرش در لاکنو گذراند. او در کتاب خود تنها به یک تاریخ اشاره می‌کند یعنی، ۱۸ سپتامبر ۱۸۲۵، زمانی که همسرش منصب تحصیل‌دار یا جمع‌آوری فرعی درآمد را در کنوج در ناحیه بریتانیایی فرخ‌آباد داشت. از اطلاعات جمع‌آوری شده در لاکنو چنین برمی‌آید که او به میرلندنی، نجیب‌زاده لندنی شهرت داشت و در دربار شاه غازی‌الدین حیدر سفیر یا وابسته منصوب شد. نوشتار حاضر، مشاهدات بانویی انگلیسی از مراسمات مردم هندوستان در عزاداری‌های امام حسین علیه السلام در سال‌های اقامت در هندوستان است. متن کتاب به زبان انگلیسی و مطالب مندرج، ترجمه نامه‌های کتاب است.

۲. نامه اول

در نامه اول، یکی از رسومات محرم را توضیح می‌دهد. مسلمانان ماه محرم را با یاد شهدای کربلا و پیروزی امام حسین علیه السلام بر یزید و یزیدیان برگزار می‌کنند. در هر سال، مراسم عزادار می‌دهند.



این ایام عظمت شهدا را روشن تر می کند و مسلمانان در این ایام با اظهار غم و اندوه و پوشیدن لباس عزا سوگواری می کنند. (میرحسین علی، ۱۸۳۲) از نظر آنها هزار و چهارصد سال پیش، پسر حضرت فاطمه علیها السلام و امام علی علیه السلام در صحرای کربلا با ظلم و جور تشنه کشته شدند و مؤمنین به یاد آن سالار شهدا هر سال مراسم عزا را برپا و اهداف سالار شهدا را بیان می کنند. خانم میرحسین علی می گوید: «در تاریخ آمده است که یزید یکی از پیروان محمد صلی الله علیه و آله و شام در تسلط آن شقی بود. اهل تسنن نوشته اند که وی با اهل بیت حسادت داشت و شقی القلب بود. شقاوت قلب او اینقدر شدید بود که می خواست نسل پیامبر صلی الله علیه و آله را در کربلا از بین ببرد؛ زیرا می دانست که بیشتر مسلمانان مخفیانه می خواهند حکمرانش از ذریه و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله باشد و یزید برای از بین رفتن سلطنتش می ترسید. امام علی علیه السلام هم با منصوبه های مخفی خلیفه شهید شده بود. بسیاری از شامی ها در شام از رفتار یزید خسته شده بودند و تلاششان این بود که کسی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله بیاید و نجاتشان بدهد و چهره حقیقی اسلام را روشن تر کند؛ زیرا با خراب کاری های یزید، نقش اسلام عوضی شده بود. هزاران نفر از مسلمانان به امام حسین علیه السلام نامه نوشتند که ما از یزید خسته شدیم او ظالم و فاسق است و قوانین اسلام را هرگز رعایت نمی کند. شما تشریف بیاورید و اسلام ناب محمدی را ترویج دهید. وقتی پیام مسلمانان به امام حسین علیه السلام رسید ایشان برای امید و آرزو پسر عموی خود یعنی، مسلم را پیش مسلمانان فرستاد تا آنها ناامید نشوند. وقتی مسلم از مدینه حرکت کرد دو پسر جوان خودش را برد. وقتی آنجا رسید مردم با محبت و احترام استقبال کردند و مسلم با قابلیت و علم و معرفت خودش پیام دین محمدی و نامه ای که امام حسین علیه السلام برای مؤمنان نوشته بود را رساند و بیشتر مردم را از دین حقیقی آگاه کرد. مسلم به امام حسین علیه السلام نامه نوشت؛ «همه برای شما منتظرند و می خواهند با شما بیعت کنند.» وقتی یزید آن خبر را شنید بسیار عصبانی شد و قبل از اینکه قاصد مسلم به مدینه برسد فرمان دستگیری مسلم و فرزندانش را صادر کرد و در شام برای دستگیری مسلم و فرزندانش جوایز قیمتی هم اعلام کرد. دوستان مسلم برای حفاظت او بسیار کوشا بودند، اما نتوانستند حفاظتش کنند چون یزید جوایز را برای دستگیری مسلم مشخص کرده بود. غیر از این، فرمان

داده بود که اگر کسی مسلم را پناه دهد او هم دستگیر و کشته خواهد شد. بالاخره مسلم توسط خائنان دستگیر شد و قبل از دستگیری، پسرانش را دست قاضی باایمان و مخلص گذاشت. آن قاضی خیلی سعی کرد، اما نتوانست از آنها نگهداری کند. او هنگام شب فرزندان مسلم را با کاروانی که به مدینه می‌رفت، امانت داد، اما به دلیل سرگردانی آن کاروان هردو فرزند مهمان یک زن شدند. وقتی آن زن مؤمنه شنید که پسران مسلم هستند هردو را محفوظ کرد، اما شوهرش بی‌ایمان بود. وقتی به خانه رسید و از حضور فرزندان مسلم باخبر شد برای انعام زیاد آن دو را به قتل رساند و همسر و فرزند خودش را هم کشت چون آنها از فرزندان مسلم دفاع می‌کردند. وقتی نامه مسلم به دست امام حسین علیه السلام رسید ایشان چندتن از خانواده خود و انصار را آماده سفر شام کرد. گفته شده که ۷۲ تن با امام حسین علیه السلام بودند و عازم سفر شام شدند. وقتی امام حسین علیه السلام در وسط راه بود یزید هم از این موضوع باخبر شد و چند دسته برای مقاومت و جنگ با حسین علیه السلام آماده کرد و اعلام کرد که افواج با حسین علیه السلام جنگ کند و در وسط راه حسین را بکشند و کسی که حسین علیه السلام را بکشد انعام بسیار خواهد گرفت. نوشته‌اند که سالار یزید، حر بود و حرب قصد قتل امام حسین علیه السلام آمده بود، اما وقتی در محضر حسین رسید دید که چهره نورانی امام حسین علیه السلام مانند رسول خداست و امام حسین علیه السلام لشکر زیادی نیاورده و فقط تعدادی از سپاهیان را دارد. فکر کرد که یزید به دروغ گفته که حسین با لشکر کثیر آمده است. وقتی با امام حسین علیه السلام ملاقات کرد گفت قلبم با شماست و من علیه یزید جنگ خواهم کرد و ابراز شرمندگی کرد.

حر به امام حسین علیه السلام مشورت داد که از آنجا حرکت کند و امام حسین علیه السلام هم سفر را آغاز کرد و به کربلا رسید. در تاریخ عرب نوشته است که رسول الله صلی الله علیه و آله پیشگویی کرده و به امام حسین علیه السلام گفته بود: «شما در سرزمین کربلا تشنه کشته می‌شوید. وقتی امام حسین علیه السلام به کربلا رسید عبادت انجام داد. شب عاشورا پسر امام حسین علیه السلام به نام علی بسیار مریض بود و نتوانست جهاد کند، اما غیر از این، انصار و دوستان امام حسین علیه السلام از ایشان دفاع کردند و شهید شدند. یک دلاور به نام قاسم فرزند برادرش حسن بود و حسین در شب عاشورا ایشان را به عقد دختر خود

سکینه کبری درآورد. در صبح عاشورا قبل از اینکه قاسم به میدان نبرد برود و شهید شود با دختر خودش صیغه نکاح را خواند و بعد قاسم شهید شد» (میرحسن علی، ۱۸۳۲).

۱-۲. بررسی اشکالات نامه اول

نامه اول خانم میرحسن علی در بیان حوادث تاریخی در مورد امام حسین علیه السلام و واقعه عاشورا اشکالات اساسی دارد. هیچ منبع تاریخی برای نقل های خود معرفی نکرده است و اینکه اطلاعات خود را از کجا آورده و یا ناقل آن چه کسی بوده است هیچ سخنی به میان نیاورده است.

۱-۱-۲. معرفی یزید در قالب یکی از پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله

یزید اگر از پیروان بالیمان رسول صلی الله علیه و آله بود برای انحراف جامعه و رشد بی دینی در جامعه اقدام نمی کرد، حرمت آل پیامبر را نگه می داشت و باعث رشد فساد در جامعه نمی شد، انحرافات در دین ایجاد نمی کرد، دست به قتل ذریه رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی زد و به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بی احترامی نمی کرد.

۲-۲-۲. نامه نوشتن مردم شام به امام حسین علیه السلام

اگرچه در مورد دعوت نامه و درخواست مردم از امام حسین علیه السلام برای هدایت و امامت در تاریخ مطالبی آمده است، اما دعوت کنندگان مردم شام نبوده اند، بلکه از طرف مردم کوفه بوده است. ماجرا از این قرار بود که پس از آنکه امام حسین علیه السلام از بیعت با یزید خودداری کرد و از مدینه به مکه رفت گروهی از اهالی کوفه به او نامه نوشتند و از او دعوت کردند که به کوفه برود. گروهی تعداد نامه ها را ۱۵۰ نامه و هر نامه را متعلق به یک، دو یا چهار نفر دانسته اند. (طبری، ۳۵۲/۱۳۶۶، ۵). بلاذری این عدد را پنجاه مورد دانسته است (بلاذری، ۱۳۹۴، ۴۰/۳). در کتاب لیهوف سید بن طاووس، تعداد نویسندگان نامه ها دوازده هزار نفر آمده که البته هر نامه را چند نفر امضا کرده بودند (ابن طاووس، ۱۳۵۳، ص ۵۰). شیخ عباس قمی نیز تعداد نامه های کوفیان به امام حسین علیه السلام را دوازده هزار دانسته است (قمی، ۱۳۹۰، ۱۱۰/۱).

۲-۲-۳. معرفی مسلم توسط امام حسین در قالب سفیر برای هدایت مردم شام و ماجرای شهادت مسلم در تاریخ اطلاعات کاملی مبنی بر حضور مسلم در قالب سفیر امام حسین علیه السلام در کوفه و ماجرای شهادت ایشان و خرابکاری‌های عبیدالله بن زیاد در کوفه وجود دارد. بیشتر نویسندگان باتوجه به اطلاعات موجود در منابع در علت‌یابی شکست قیام مردم کوفه و شهادت مسلم در کوفه هنگام حضور مسلم در این شهر به نقش سیاست‌های عبیدالله بن زیاد برای ایجاد وحشت بین مردم و ساختار اجتماعی کوفه که مانع اتحاد و همبستگی مردمان کوفه می‌شد و روان‌شناسی کوفیان که آنها را افرادی احساساتی، نظم‌ناپذیر و دنیاطلب معرفی می‌کند، تأکید کرده‌اند. (قمی، ۱۳۹۰، ۷۶/۸)

۲-۲-۴. اختلاف در مورد اینکه آیا مسلم فرزندان خود را به کوفه آورده یا نه؟ قول صواب این است که آنها در کربلا بودند و از وحشت و اضطراب هنگام هجوم دشمن فرار کردند و به منطقه عتیکیات در نزدیکی مسیب رسیدند و مهمان زن آن مرد شقی شدند. هنگامی که امام حسین علیه السلام در کربلا کشته شد دو نوجوان کم‌سن از لشکرگاه او اسیر شدند و آنها را نزد عبیدالله بن زیاد آوردند. او یکی از زندان‌بان‌هایش را فراخواند و گفت: «این دو نوجوان را نزد خود نگاه دار و به آنها غذای گوارا مخوران و آب خنک منوشان و زندان را بر آنها سخت بگیر». آنها روز را روزه می‌گرفتند و هنگام شب، دو قرص نان جو و کوزه‌ای آب خوردن برایشان می‌آوردند (قمی، ۱۳۹۰، ۷۶/۸).

۲-۲-۵. حرکت امام حسین علیه السلام به شام از مدینه بسیاری از علمای دین نوشته‌اند که خروج امام حسین علیه السلام از مدینه برای شام نبود، بلکه امام علیه السلام برای ابراز نظر و رأی خود به دنبال جای مناسبی بود و آنجا جز مکه نبود، پس امام علیه السلام به طور مستقیم از مدینه به سمت مکه حرکت کرد و چون آنجا سپاهیان یزید را دید که در حال طواف بودند و قصدشان قتل امام علیه السلام بود، امام حرم الله را ترک کرد و از مکه به طرف کوفه هجرت کرد.

۳. نامه دوم

خانم میرحسن علی در نامه دوم می‌نویسد: «نامه گذشته، ما را برای عزاداری در محرم آماده می‌کند. در هندوستان دیده شده که آنها مراسم عزای شهیدان را با احترام برپا می‌کنند.

مسلمانان از روز اول محرم در روستا و شهرهای خودشان تعزیه درست می‌کنند و تعزیه علامت غم است و اطلاق تعزیه بر قبر مطهر امام حسن و حسین علیهما السلام می‌شود. مردم تعزیه (قبر امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام) را با چوب، نقره و طلا هم درست می‌کنند. تصویر کربلا را در منطقه‌های خودشان می‌سازند. بیشتر تعزیه‌ها را روز دهم محرم آماده می‌کنند و در مراسم عزای می‌آورند. در شام شهادت، همه تعزیه‌ها را در قبرستان تحویل می‌دهند. بسیاری از قبرستان‌ها بیرون از شهر هستند. کسی که بمیرد آن را نزد مسجد یا در مسجد دفن نمی‌کنند چون برای خانه خدا اهمیت بیشتری قائلند. اگر کسی قبل از غسل، میت را مسح کرد باید غسل میت انجام دهد و گرنه نمازهای پنج‌گانه را با همان کیفیت اجازه نمی‌دهند انجام داده شود. در هر منطقه یک حسینه به نام یکی از معصومین درست می‌کنند که آنجا مراسم برپا می‌شود. در حسینه‌ها در قالب توسل به معصومین نشانه قبرهای معصومین بنا می‌کنند که مؤمنین برای توسل به او نزد قبر می‌آیند و دعا و مناجات می‌خوانند و برای یاد کردن امامان خود در ایام مختلف مجالس احیا می‌کنند و گرد هم می‌نشینند و یکی از ذاکرین یا علما روی منبر می‌نشینند و زندگی نورانی امام علیه السلام را توضیح می‌دهد. در ایام عزای روی دیوارها لباس مشکی معلق می‌کنند که در ظاهر هم به نظر بیاید که این حسینه برای عزای درست شده است و صاحبان آن در سوگ هستند. در حسینه‌ها نقش‌های مختلف درست می‌کنند که به یاد کربلا و شهدای کربلا می‌افتند. در ایام محرم هر روز صبح و شب مجلس و عزاداری انجام می‌شود. در هر مجلس برای زنان اهتمام حجاب هم می‌شود و زنان هم با حجاب عزاداری می‌کنند. برای من این امر خیلی تعجب‌آور بود که بچه‌ها، جوان‌ها، نوجوان‌ها، ضعیف‌ها و زن و مردها همه مصروف می‌شوند برای شنیدن حقایق عاشورایی. به نظر می‌آید که هرکس مبلغ و مروج کربلاست. از چهره‌هایشان و عزاهایشان فکر کربلا به نظر می‌آید. در ایام عزای سیدالشهدا اشک مؤمنین مانند دریا سرازیر است. هرکس برای خدا و معصومین قربانی می‌کند و کل ماه به نام امام حسین علیه السلام نذرهای بسیاری آماده می‌شود. زنان مؤمنین از روز اول محرم تا آخرین ساعت ایام عزای طلا را از گوش و گردن‌های خودش درمی‌آورند و وقتی ایام عزای تمام شد بعد می‌پوشند. اگر من از خدمتکار زن خودم یاد

نکنم شاید کم لطفی باشد. ایشان اینقدر پایبند به رسومات خود بود که بعضی وقت‌ها من فکر می‌کردم که از تشنگی می‌میرد. فکرش این بود که آقای من و مولای من امام حسین علیه السلام و یارانش را تشنه کشتند ما هم باید در ایام محرم تشنه باشیم. او از روز اول محرم تا دهم یک قطره آب هم نمی‌نوشتید. خدمتکار من زنی بی‌سواد بود، اما برای امام خود قائل به احترام زیادی بود. چیزی که خیلی تأثیرگذار بود اینکه که مؤمنین در مجلس خود هیچ‌کس را منع نمی‌کردند که برای مثال، فلائی مسلمان نیست یا شیعه نیست در مجلس نیاید. برخورد آنها با مؤمنین و شرکای مجالس فراموش‌نشده‌ای است. آنها را مانند برادر و پدر و مادر و خواهر محسوب می‌کنند و قائل به احترام شدید هستند. زنانی که سواد دارند در میان دیگران مرثیه و نوحه می‌خوانند و با ذکر اهل بیت علیهم السلام اظهار عقیده می‌کنند. برخی از زنان کم‌علم بدون حجاب عزاداری می‌کنند و با شنیدن مصیبت امام حسین علیه السلام بر چهره خودشان ماتم می‌کنند که اهل علم آن را قبول نمی‌کنند. آدم‌های متدین مثل آنها عزاداری نمی‌کنند، اما این طور نیست که آنها مغموم نیستند» (میرحسن علی، ۱۸۳۲)

۳-۱. بررسی اشکالات نامه دوم

۳-۱-۱. بیان رسومات مشترک بین مسلمانان و هندوها

قاعده بر این است که در نقد رسومات یک منطقه ابتدا باید مشخص شود که این رسومات از آن کدام مکتب است و رسومات که اهل این مکتب انجام می‌دهند از کجا آمده است. به‌راحتی نمی‌توان افعال و افکار یک منطقه را بر یک مکتب خاص حمل کرد، اما در نامه‌های چهارگانه‌ای که همسر میرحسن علی نوشته است این اشتباه وجود دارد که تمام افعال، اعمال و فعالیت‌های دیگر مذاهب هندوستان درباره امام حسین علیه السلام و عزاداری برای ایشان را به شیعیان و مکتب شیعه در هندوستان نسبت داده‌اند و آن را بر مکتب شیعه در این منطقه حمل کرده‌اند. هندوها در هندوستان در همه مراسمات حسینی شرکت می‌کنند و رسوم خودشان را هم برپا می‌کنند، پس آیا می‌شود رسومات هندوها که در محبت امام حسین علیه السلام عزاداری می‌کنند و مراسم احیاء می‌کنند به مسلمانان شیعیان هندوستان نسبت داد.

۴. نامه سوم

رسمی که بسیار کم ذکر شده آن است که از روز اول محرم تا پنج محرم مؤمنین از خانه‌های خودشان پرچم و تعزیه را بعد از نمایش به حسینه می‌آوردند. این رسم در لکهنو به‌طور خاص برپا می‌شود. به همین مناسبت داستانی مربوط با این موضوع مطرح می‌شود: «فردی از اهل هند برای زیارت خانه خدا به مکه آمد. در یکی از شب‌ها خواب دید که عباس بن علی علیه السلام که از بستگان حسین علیه السلام بود آمد و گفت که بعد از زیارت بیت الله از مکه به کربلا برای زیارت امام حسین علیه السلام بروید و در خواب برایش تأکید شده که وقتی کربلا رسیدی آنجا جایی هست که پرچم‌های زیادی وجود دارد، اما این خواب را به هیچ‌کس بازگو نکن و گفته شد که بعداً به شما گفته می‌شود که این هدیه را کجا باید برد». بعد از مشقت و تلاش زیاد بالاخره این فرد به لکهنو رسید در همان زمان آصف دوله رئیس جهمور بود. حجاج به‌طور مفصل اتفاقات را به حاکم بازگو کرد و حاکم مالکیت آثار را گرفت و خودش مالک شد و حاجی را برای زحماتی که انجام داده بود انعام داد و حکم جاری کرد که یک ساختمان بزرگ به نام حضرت عباس ساخته شود و حاجی آنجا سرپرست اعلیٰ منتخب شود و از طرف حکومت برایش ماهانه هم داده می‌شود. کم‌کم این حسینه در میان مسلمانان بسیار شهرت پیدا کرد و مسلمانان برای تعظیم امام حسین علیه السلام آن را اهمیت زیادی می‌دادند. به مردم اجازه داده شد که آنجا بیایند و قربانی کنند و نذر هم تهیه کنند.

مطلب دیگر اینکه در حسینه‌ها در ایام شادی ختنه هم انجام می‌شود و در ایام عزای جلوس‌های عزای هم از این حسینه جاری می‌شوند و برای حسینه هر مؤمن کمی پول هم می‌آورد و آن پول در ملکیت صاحب حسینه می‌شود. بیشتر مردم در این حسینه نیت نذر هم می‌کنند و وقتی امیدشان برآورده می‌شود همه دسته‌جمعی می‌آیند و تبرک به فقرا تقسیم می‌کنند و کمی پول به مالک حسینه هم می‌دهند. اگر کسی مریض شود یا دچار مشکلات شود یا در زندگی خود موفقیت بخواهد یا محافظت از خطرات بخواهد به این حسینه می‌آید و برای حل مشکل خود نیت نذر می‌کند و این قدر بالیمان زیاد نیت نذر می‌کنند که در چند روز مشکلشان حل می‌شود. در ایام محرم، مؤمنین از دور برای زیارت حسینه می‌آیند و با خودشان

هر نفر یک پرچم به نام حضرت عباس علیه السلام می آوردند و در حسینیّه جمع می کنند و در روز خاص پرچم هایی که افراد متفرق می آورند را با آن پرچم که مرد مؤمن داده بود مسح می کنند. یادم هست که چهل الی پنجاه هزار پرچم را با ضریح امام حسین علیه السلام مسح می کنند. میلیون ها مؤمن گرد آن حسینیّه جمع می شوند و هرکس بدون تفریق ثروتمند و فقیر با استطاعت خودشان تبرک هم درست می کنند و مؤمنین را خدمت می کنند. این طور به نظر می آید که امام حسین علیه السلام درحقیقت آنجا وجود دارد و به دل های مؤمنین مؤثر است. یادم هست که چون منطقه های مؤمنین پراکنده بودند هرکس از نظر منطقه خودشان برای امام حسین علیه السلام اظهار عقیده و محبت می کرد. یک نمونه بازگو می کنم: «یک نفر از ثروتمندان شهر بود، دیدم که چهار فیل آورد و یک محافظ هم بود. روی فیل ها مؤمنین نشسته بودند و در دست های همه پرچم عباس علیه السلام بود. پرچم ها با یک رنگ درست شده و در دست مؤمنین چوب هایی که با رنگ نقره ای، لباس های نرم و با رنگ های مختلف آماده شده بود را پوشیده اند. وقتی فیل ها نزد حسینیّه می آمدند با صدای یا حسین عزاداری و سینه زنی می کردند. با فیل ها یک لشکر مؤمنین با موسیقی می آمدند و در موسیقی منقبت های امام حسین علیه السلام و معصومین علیهم السلام می گفتند. غیر از مراسم مذکور بعد از آن یک اسب آورده می شود که اسمش را دلدل گذاشته اند. چون اسب امام حسین علیه السلام در کربلا دلدل بود. سوارش هم یک عرب نمای عزادار بود و سوار هم مرثیه خاصی می خواند. پرده های خونین روی اسب قرار می دهند و در بدن اسب تیرهای زیاد معلق می کنند. روی اسب عمامه و تلوار و تیر هم می گذارند. بعد از محرم لباس های اسب به سید فقیر داده می شود. نزدیکان پادشاه با پادشاه و دیگر مؤمنین در جلوس عزا شریک می شوند و عزاداری می کنند. من تا پنج محرم الحرام بسیار جلوس عزا دیدم، اما این جلوس عزا از همه خیلی جذاب و متفرق بود (میرحسن علی، ۱۸۳۲).

۴-۱. بررسی اشکال نامه سوم

در نامه سوم خانم میرحسن علی به خوبی توانسته شیوه های عزاداری در روز عاشورا را به تصویر بکشد و به طرز شگفت انگیزی شیوه عزاداری مردم هندوستان و مریدان امام حسین علیه السلام را در

زمان خود نشان دهد. نکته قابل توجه در این نامه این است که در این مراسم، اهل سنت همراه با شیعیان و دیگر ادیان که از مریدان امام بودند به شیوه های مختلف در این روز مراسم عزای به پا می کردند که نباید تمام این مراسم را بر شیعیان حمل کرد. در نتیجه ایشان باز هم نتوانسته بین شیعیان و دیگر مکاتب تفکیک داشته باشد.

۵. نامه چهارم

در هفتم محرم رسم عروسی قاسم بن حسن علیه السلام برگزار می شود که به آن شب، حنا گفته می شود. در کربلا امام حسین علیه السلام صبح عاشورا عقد قاسم را با دختر ارجمند خود سکینه کبرا خواند. در این شب مانند عروسی حقیقی مراسم برگزار می کنند و زن های مؤمنین حنا را درست می کنند و برای این رسم خرج می کنند. برای برپا کردن این رسم مردم در هر طبقه خرج می کنند و برای دیدن این رسم هزاران مرد و زن شرکت می کنند. در روستاها و شهرها این رسم را برپا می کنند و از روستاها و شهرها حنا را درست کرده و به حسینیه ها می آورند و آنجا رسم را ادامی کنند. یک روز در مراسم بودم و دیدم که حنای حضرت قاس علیه السلام که در خانه نخست وزیر درست شده بود برای حسینیه پادشاه فرستاده شد. در این شب غیر از حنا به مناسبت قاسم بن حسن علیه السلام یک طشت نقره ای یا طلایی هم آماده می کنند و در آن طشت، تاجی برای عروس درست می کنند و آن را فقط سادات می زنند، که آن را زیارت می کنند. در این شب کل عمارت حسینیه را با چراغ و شمع روشن می کنند و چنین به نظر می آید که واقعاً شب عروسی است، اما هر چشمی پر از اشک و غم است. در هر طرف زن و مردها برای قاسم بن علی علیه السلام و حضرت زینب کبرا علیه السلام اشک میریزند و گریه می کنند.

در این شب زن های مؤمنین شیرینی و شربت و گردن بندهایی از میوه جات خشک درست می کردند. یک چهارپای مخصوص به مناسبت حضرت قاسم علیه السلام آماده می کردند. چادرهایی پر از گل، روی تابوت قاسم بن حسن علیه السلام قرار می دادند و یک گنبد طلایی مخصوص که از طرف پادشاهان درست می شد با فیل ها، اسب ها و شترها را قبل از رسیدن بیرون حسینیه آزاد می کردند. در وسط عمارت با رنگ سبز یک تعزیه هم درست می کنند و در هر طرف آن، چراغ



روشن می کنند و در سمت راست تعزیه، شیر و در چپ تعزیه، ماهی وجود دارد. در این حسینه هم مانند کربلا باب الحسین، باب مسلم و خیمه گاه حسین علیه السلام و... وجود دارد و آنها هم با نقره درست شده است. منبر هم از نقره درست شده است و فقط برای عقیده به امام حسین علیه السلام ساخته نشده است. «من وقتی داخل حسینه رفتم و دیدم که واقعاً یک جانور دور تابوت قاسم بن حسن علیه السلام دور می زد برای من بسیار تعجب آور بود که یک جانور بدون ضرر و نقصان با راحتی دارد طواف می کند. بعد از آن جانور را در صحن حسینه بردند و زن های مسلمانان برای زیارت آن آمدند و احترام بیشتری را کردند مانند اینکه هندوها بت ها را می پرستند».

در این مراسم شبیه قبر حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام هم درست می کنند و همه مسلمانان برای زیارت این قبر هم می روند و گریه می کنند. بعد از این هرروز هدایا و تحائف می آورند و تا دهم محرم جمع می کنند. در شب حنا همه رسم هایی که انجام داده می شود مانند عروسی حقیقی به نظر می آید و مسلمانان و عزاداران بسیاری در این مراسم شرکت می کنند. دربین تمام مراسم ها مراسم محرم (روز دهم محرم) بسیار با عظمت و حیران کننده است. مسلمانان از همه طبقات دیده می شوند و این روز را از همه روزها با عظمت تر احیا می کنند.

۵-۱. بررسی اشکالات نامه چهارم

۵-۱-۱. بیان جریان ازدواج حضرت قاسم علیه السلام

عالمان متعددی مانند علامه مجلسی، شیخ عباس قمی، مرتضی مطهری به دلیل ذکر نشدن این داستان در منابع معتبر، آن را نپذیرفته اند. (نوری، ۱۳۸۸، ص ۱۶) محمدباقر مجلسی در کتاب جلاء العیون می فرماید: «عروسی جناب قاسم علیه السلام در کتب معتبره به نظر حقیر نرسیده است و از جمله چیزهایی که دلالت بر استبعاد این مطلب دارد آن است که جناب قاسم در هنگام شهادت خود به حد بلوغ نرسیده بود» (مجلسی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳). شیخ عباس قمی در منتهی الآمال می فرماید: «مخفی نماند که قصه دامادی جناب قاسم علیه السلام در کربلا و تزویج او با فاطمه بنت الحسن علیه السلام صحت ندارد چه آنکه در کتب معتبره به نظر نرسیده است» (قمی، ۱۳۹۰، ۷۸/۱). برخی منابع در رد این ماجرا سن کم قاسم علیه السلام را یادآور شده و گفته اند که او در کربلا به سن

بلوغ و ازدواج نرسیده بود. مرتضی مطهری رحمته الله علیه با دروغ خواندن این ماجرا می فرماید: «در روز عاشورا مجال نماز خواندن هم نبود و امام حسین علیه السلام نماز خوف خواند، پس چگونه ممکن است که حجله عروسی قاسم را راه انداخته باشد» (مطهری رحمته الله علیه، ۱۳۷۷، ۲۷/۱). آیت الله فاضل لنکرانی درباره تعزیه و روضه هایی که به نام ازدواج حضرت قاسم علیه السلام در کربلا خوانده می شود، فرمود: «آنچه در مورد عروسی حضرت قاسم علیه السلام مطرح شده یا می شود صحیح نیست و اثری از این قضیه در کتب معتبره وجود ندارد. مضافاً بر اینکه حضرت قاسم علیه السلام به سن ازدواج نرسیده بود. هرچند در کتاب منتخب مرحوم طریحی چیزهایی که مناسب ازدواج آن حضرت است، نقل شده، ولی ظاهراً این مطالب نادرست را بعد از آن مرحوم، افراد مغرض یا نادان به آن کتاب اضافه کرده اند و مرحوم طریحی برتر از آن است که این مطالب را که مناسبتی با واقعه عاشورا ندارد در کتاب خود بنویسد.

مؤلف در تحقیق حاضر، خودش عروسی حضرت قاسم بن الحسن و رسم حنای قاسم در روز هفتم محرم را بیان کرده است، اما برداشتن نقاب از صورت مدعیان و معرفی عملی همه اسلام در یک نیم روز از یک سو و نقش و تأثیر مستمر نهضت حضرت سیدالشهدا علیه السلام در بیداری مردم در هر عصر و نسلی و جهت گیری آنها در مقابل کفار و طواغیت به هر نامی از سوی دیگر سبب شده تا دشمن هیچ گاه از آثار مثبت این نهضت برای مسلمین و نتیجه سوء آن برای خود مصون نماند. بنابراین، مجبور است دشمنی و ظلم را هم چنان و در عرصه های مختلف ادامه دهد. بدیهی است که ظلم به کشتن ختم نمی شود، بلکه اصل ظلم به غصب حق و جایگزینی باطل به انحای متفاوت است که تحریف، یکی از همان تاکتیک ها و سلاح های مؤثر بوده و همیشه مورد استفاده غاصبین زورگو قرار گرفته است، پس تحریف اهداف و تاریخ کربلا و عاشورای حسینی از ظلم هایی است که به امیرالمؤمنین علیه السلام، اسلام و مسلمین به صورت مستمر تحمیل شده است. (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۸۴-۸۵)

۶. نتیجه‌گیری

در کتاب observations of the mussalmanus of india برخی از اصول و روش‌های بنیادی مسلمانان هندوستان توسط خانم میرحسن علی شرح داده شده است. در این کتاب به جز عزاداری امام حسین علیه السلام رسومی مانند سینه‌زنی، تعزیه‌خوانی، ریختن خون در سوگ امام حسین علیه السلام، قربانی کردن جانوران برای مؤمنین و مسلمانان، عروسی قاسم بن الحسن علیه السلام و رسم حنای قاسم ذکر شده است. کاری که صورت گرفته و مورد اشکال است حمل مصادیق عزاداری و مراسمات مسلمانان هندوستان بر مکتب مسلمانان شیعه است. این کار عاقلانه و عالمانه نیست؛ زیرا در تمام دنیا و به‌ویژه در هندوستان دیده می‌شود که هندوها هم به امام حسین علیه السلام عقیده و محبت خاص دارند و برای امام حسین علیه السلام سینه‌زنی و عزاداری می‌کنند. غیر از مراسم عزای امام حسین علیه السلام کیفیت شهادت امام حسین علیه السلام و یاران باوفا را هم ذکر کرده و هنگام ذکر کردن مسافرت امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا اشتباهاتی کرده به‌ویژه درباره شهادت و قیام مسلم بن عقیل علیه السلام و پسرانش اشتباهات زیادی وارد شده است.



فهرست منابع

۱. ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۴۱۱)، الفتوح، بیروت: دار الأضواء.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۵۳)، اللهوف علی قتلی الطفوف، مترجم: فهری زنجان، احمد، تهران: نشر جهان.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۳۹۳)، الرد علی المتعصب العنید: المانع من ذم یزید، بی‌جا: انتشارات مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه.
۴. الانصاری، احمد بن محمد بن علی بن حجر الیهیتمی السعدی (۱۴۱۷)، الصواعق المحرقة علی اهل الرض والضلال والزندقه، لبنان: مؤسسه الرساله.
۵. البلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۴)، انساب الاشراف، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶. الشیخ الصدوق، علی بن بابویه (۱۳۷۶)، لامالی للصدوق، تهران: کتابچی.
۷. طبری، محمد بن جریر بن یزید (۱۳۶۶)، تاریخ الامم و الملوک تاریخ الرسل و الملوک، بیروت: بی‌نا.
۸. قمی، عباس (۱۳۹۰)، منتهی الآمال، تهران: مبین اندیشه.
۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲)، جلاء العیون، قم: سرور.
۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، حماسه حسینی، قم: انتشارات صدرا.
۱۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: بی‌نا.
۱۲. نوری، میرزا حسین (۱۳۸۸)، لؤلؤ و مرجان، تهران: بی‌نا.